

اعضای نمایش : مامان - سعید - دکتر - پرستار

مادرش در خواب است ( مادر خرو پف میکند بلند ) و سعید پشت کامپیوتر نشسته است

سعید : ( خودش را تکان میدهد ) اخ جون برو برو برو اه سوختم ( روی میز میزند ) ای بابا این بازی هم به درد نمیخوره بزار برم توی یک سایت دیگه

( یک کم سرش را تکان میدهد چشمهایش را درشت میکند ) آها پیداش کردم همین سایت خوبه اوه اوه چه عکسهای قشنگی چه چیزهای خفنی داره اینجا بزار برم توی کانال های دیگه اش اینم باز کنم حالا خوب شد . حالا اینو دانلود کنم

(مادر از خواب بیدار میشود چشمهایش را می مالد یک کم دورو برش را نگاه میکند بلند میشه وارد اتاق میشه دمپایی اش را بر میدارد پاور چین پاور چین وارد اتاق میشود )

مامان : ای ذلیل بمیری بچه ساعت ۳ شبه هنوز پای کامپیوتر نشستی

سعید : مامکان تورو خدا بزار یک کم دیگه بازی کنم الان تموم میشه

مامان : پاشو پاشو ببینم این بازی ها حد و اندازه تو نیست پاشو پاشو وقت خوابت گذشته فردا نمیتونی بری مدرسه بلند شو ببینم ( توی سر سعید میزند )

س : مامان م : کوفت مامان درد مامان ای الهی تیکه تیکه بشی ای الهی بری زیر ۱۸ چرخ الهی خراب بشه این کامپیوتر زلزله ۸ ریشتری بیاد بمیری

س : مامان چرا اینجوری میکی خب م : مگه نمیدونی چشات ضعیف میشه نمیفهمی صبح خواب میمونی نمیتونی بری مدرسه

س : الان زیر ۱۸ چرخ پیام عیب نداره ولی چشم ضعیف بشه اشکال داره یعنی با چشمهای قوی بمیرم بهتره

م : برو دیگه بخاب بچه سر به سر من نزار ( دمپایی را بالا میبره ) می زنمت ها ( دمپایی را پرت میکند ) وبه دیوار میخورد و سعید حالت دو به طرف رختخاب میرود )

م: خب بزار ببینم این بچه چه چیزها نگاه میکنه (با تعجب) واویلا چه عکسهای قشنگی ان خانومه چه لباس قشنگی پوشیده بزار برم توی یک کانال دیگه وای نگاه کن مدل موی این زنه رو (دستش را دندان میگیرد) وای این خانومه چقدر خوشکله چقدر این دنیا زیباست وما از همه جا بی خبریم ای ذلیل بمیری بچه چه چیزهایی دیده (یک کم دست به موهاش میکشه دست به لباسهایش میکشه یک کم قر میدهد)

س: مامان مامان کجایی

م: هیچی هیچی دارم میام (کامپیوتر را خاموش میکنه دست به لباسش میکشه ومیرود)

صبح

م: سعید سعید پاشو مدرسه ات دیر شد پاشو پاشو دیگه

س: اه مامان بزار یک کم دیگه بخابم میرم مدرسه

م: پاشو یعنی چی پاشو دیر شده به کلاست نمیرسی

س: اه مامان من اصلا نمیخام برم مدرسه مگه همه میرن مدرسه اصلا مامان من میخام هنر پیشه بشم (بلند می شود با ذوق وشوق) مامان از این هنرپیشه خارجی ها که همه رو میزنند (می پره از این ور به اون ور) مامان می پره روی ساختمانهای بلند مامان ندیدی اینقدر میزنه وای اینقدر هیجان داره (شروع میکنه به زدن بالش وای وای)

م: ای بابا چکار به بالش داری کشتی بالش رو ولش کن گفتم پاشو برو مدرسه اومدی بالش رو

میزنی

س: مامان میخای یک کم تشک رو بزوم

م: میخای یک مشت به دیوار بکوب

ص ۳

س: آره راست میگی مامان چی میشد اگه من مثل اون هنرپیشه خارجی بودم میتونستم مشت بزوم به دیوار دیوار باز بشه ورد بشم از توی دیوار مامان اگه میدیدی اون پسره چه تیبی داشت مامان میگم

ها

م: ول کن بچه بلند شو حاضر شو برو مدرسه

س: مامان حالا من چرا باید برم مدرسه خب

م: آخ مادر جان ییسواد میمونی

س: آخه مامان سوپر من چه احتیاجی به سواد داره

م: احتیاج داره مامان جان اگه بخای گدا هم بشی باید گدای باسواد بشی

س: ( یک قری به سرو گردنش میدهد ) اره مامان گدایی هم خوبه ها بین مامان من چقدر گدایی

بدم ( دستش را دراز میکند ) آقا تورو خدا کمک کنی که من بدبخت بیچاره کمک کنی شهریه

دانشگاه آزاد ش مونده خواهش میکنم کمک کنی

م: پاشو پاشو بچه نگاه چه فیلمهایی در میاره برا اینکه مدرسه نره پاشو بچه بمیری هم باید بری

مدرسه اصلا اگه بخای بمیری باید توی مدرسه بمیری

م: مامان ویامان بلند شو برو دست و صورتتو بشور

س: اه مامان

س: ( دست و صورتش را میشوید ) مامان با من کار نداری نه مامان برو باشه خدا حافظ

م: ( مامان یک کم قر میدهد آره درست میگه این بچه من اصلا به خودم نمیرسم بزار یک کم قر بدم

یک کم به خودم برسم ( موهایش را مرتب میکند )

( سعید از توی حیاط صدا میزند )

س: مامان مامان سرم گیج میره وای حاله بده ( می افتد )

ص ۴

م: ای وای خدا مرگم بده سعید سعید چی شد وای حالا چکار کنیم ( دست و پایش را گم میکنه پشت

دستش میزنه از این ور به اون ور ) خاک تو سرم چه کنیم الو اورژانس (گریه میکند) الو آقای دکتر

لطفا بیان بچه ام بیهوش شده

دکتر وارد میشود دکتر : خانوم پرستار کو مریض ( یک کم میگردد با قر وناز ) پرستار : اینها مریض اینجاست چه مشکلی پیش اومده عزیزم مرده خانوم پرستار نه نمرده بیهوش شده چرابیهوش شده

م : ( با گریه ) آقای دکتر دیشب تا نصف شب بازی کامپیوتری میکرد برا همین الان بیهوش شده فقط دیشب نه آقای دکتر این چند وقته کار هر شبه تا نصف شب میشینه پای کامپیوتر

دکتر : خیلی خوب ( نبض مریض را میگیرد با قر وناز ) خانوم پرستار این مریض باید عمل بشه

مامان با گریه : چی آقای دکتر عمل

دکتر : بله مادر جان باید عمل بشه شما نتونستی جلوشو بگیری بیماریش پیشرفت کرده باید عمل بشه باید مخشو شستشو بدیم

م : وای خدا مرگم آقای دکتر حالا چه خاکی به سرم بریزم چه کار کنم ( خودش را میزند )

دکتر : ببین مادر جان باید بره اتاق عمل ری استارت بشه وتمام اطلاعاتی که در این برنامه ها وبازی ها داره باید از حافظه اش پاک بشه داره هارد مخش می سوزه شما مادر جان برو بیرون

مامان گریه میکنه ومیرود بیرون

دکتر : خانوم پرستار مریض بیهوشه نه خیلی آقای دکتر مریض رو بیهوش کن تا بیدار نشه وسط عمل لطفا سریع که وقت نداریم

پ : ( با چوب میزند به سر مریض مریض بلند میشود وبا سر میخورد به تخت ) ای وای چرا بیهوش نشد که ( دوباره با چوب میزند مریض دوباره بلند میشه ومیخوره زمین ) چرا بیهوش نمیشه آقای دکتر مریض بیهوش نمیشه

ص ۵

د : من نمیدونم خانوم پرستار باید مریضو بیهوش کنین ( دکتر جلوی اینه خودشو مرتب میکند )

پ : چشم آقای دکتر - آها فهمیدم چکار کنم ( جوراباشو در میاره وجلوی دماغ مریض میگیره مریض حالت تشنج بهش دست میده وبهوش میشود ) آقای دکتر مریض بیهوشه

د : خیلی خب جانم عملو شروع میکنیم اون ذره بین رو بدین خانوم پرستار ( شروع به جستجو میکند ) خب بنویس خانوم پرستار در نخاعش ۲ تا بازی خشن هستش اه چه بزن بزنی هم هستش توی این

بازی ها فکر کنیم نخاعش پاک سازی شد خب خانوم پرستار بریم سراغ مغزش ( نگاه میکنه و میزنه روی سرش ) وای ببین چه فیلمهایی اینجا ضبط کرده هرچی فیلم اشغالی بوده رو دانلود کرده بنویس ۶ تا فیلم بدرد نخور بی شعور بی فرهنگ ببین چه چیزها نگاه میکرده نوشتی خانوم پرستار

پ: اره د : وای بر این بچه خانوم پرستار دنبال من بیا لطفا پ: چشم آقای دکتر د: بریم سراغ گوشه اش اون گوشی رو بده خانوم پرستار پ: (گوشی پزشکی را به دکتر میدهد) دکتر گوشی را بالای گوشهای مریض میگذارد وای چه اهنگهای افتضاحی هستش اصلا معلوم نیست که چی میخونه همش چرت و پرت و ایستا تا اهنگهای دیگه شم نگاه کنیم ببینیم همش همینجوری چرت و پرت ( اهنگ بعدی اهنگ رقصه وای چه اهنگ خوشکلیه ها ( اول سرشو تگون میده بعدش شروع به رقصیدن میکنه قر میدهد ) پ: آقای دکتر داره مریض میمیره شما میرقصین دکتر: ( لباسشو مرتب میکنه دست به موهاش میکشه بله بله خانوم پرستار شما درست میفرمایین بریم سراغ بقیه اعضای بدنش اینم بنویس خانوم پرستار پ: چشم

نظرت چیه که چشماشو ببینیم ذره بین رو بده لطفا ( پرستار ذره بین را به دکتر میدهد ) اینقدر خانوم پرستار (با قر واد) توی چشماش فیلمهای خشن والکی پلکیه که نگو که باید اینارو هم خارج کنیم

خب بزار بقیه بدنشو سرچ کنیم (ذره بین روی دستها میزازه بوق میزنه ) اره اره دستاش مشکل داره (دست مریض را بلند میکنه و میافتد ) ببین خانوم پرستار از بس که با کلیدها و کامپیوتر کار کرده دستاش جون ندارن نگاه کن خانوم پرستار دستش میوفته حالا بریم سراغ عمل جراحی و شروع کنیم به پاکسازی این بچه یک ملحفه دیگه روی مریض بکشید لطفا عمل جراحی رو باید شکمشو باز کنیم

ص ۶

همه اینهارو از شکمش در میاریم چاقو لطفا (دستش را دراز میکنه ) خب این قسمت رو خراش میدیم ببین خانوم پرستار چه همه ات و اشغال توی بدن این بچه هست بگیر بکش خانوم پرستار ( ۱۸ عدد فیلم مستهجن و بز بزن ۲۲ بازی خشن و چرت و پرت ۱۶ تصاویر مزخرف و زشت و ۱۷ اهنگ الکی و پلکی که به صورت یک طومار باید باشد ) بکش بکش خانوم پرستار ( هر دو میکشن تا اینکه پرستار میافتد و طومار در میاد ) خب خوب شد خانوم پرستار بلند شین لطفا ( پرستار بلند میشه و خودش را تکان میدهد ) حالا باید نگاه کنیم ببینیم دیگه چیزی نداره اون ذره بین رو بدین ) دکتر با ذره بین همه بدن مریض رو نگاه میکنه ( خب خدارو شکر که بدنش پاکسازی شد حالا باید

شکمشو بدوزیم نخ لطفا ( دستش را دراز میکنه به طرف پرستار - پرستار نخ را تفی میکند ونخ میکنه وبه دکتر میدهد ) افرین خانوپرستار این نخ کاملا بهداشتیه دیگه پ : بله بله آقای دکتر د: ( نخ را بالا وپایین میبرد ودر حال دوختن ) خب شکمشو دوختیم مریض رو به هوش بیارین خانوم پرستار پ : چشم ( پرستار دوباره جورابهایش را جلوی بینی مریض میگیرد ومریض به هوش میاد )

س : وای من کجام چه اتفاقی افتاده د: پسره بیتریت اینقدر توی فضای مجازی بودی که داشتی میمردی اگه ما بهداشت نرسیده بودیم الان مرده بودی اگه یک دفعه دیگه سر از این فضاها و کامپیوتر در بیاری خودم با همین دستام خفه ات میکنم حالا برو خونتون وقول بده دیگه هر چیزی که مناسب سن تو نیست نگاه نکنی ( پسر با ترس عقب عقب میرود ومیگه ) چشم آقای دکتر ( دکتر با لگد به پسر میزند وپسر میدوه واز صحنه خارج میشود دکتر با قر وناز وادا به جلوی صحنه می اید و میگوید ) عزیزان من یادتون باشه که هر چیزی در سن وسال شماها نیست وهر فردی باید مناسب سن خودش ودر ساعتها مناسب نه مثل این پسره بی ادب سراغ کامپیوتر بره شماها هم اگه برین سراغ کامپیوتر ولب تاب وتبلت وگوشی واین کوفت وزهر مارها بره واگه سراغش به دکتر بیافته و من پزشکش باشم شکمشو پاره میکنم ودیگه نمیدوزمش متوجه شدین یا نه

همه با هم : بله

نویسنده نمایشنامه : مریم دلیری سمت : مربی بهداشت شهرستان کاشمر استان خراسان رضوی ویژه مقطع ابتدایی ومتوسطه اول هزینه سه صلوات برای آموزش پدرم